



تأثیر

متون کهن ایرانی
در رمان کیمیاگر

اثر پائولو کوئیلو

*

محبوبه جوکاران خراسانی

روایت مشابه یعنی رمان کیمیاگر از پائولو کوئیلو، داستان مولانا در دفتر ششم مثنوی معنوی، حکایت عجایب‌نامه و حکایت شب سبید و چهل و نهم از هزار یک شب و نمایاندن وجوه اشتراک و افتراق و نیز تعیین سرچشمه اصل رمان کیمیاگر است.

الف. خلاصه رمان کیمیاگر^۳: چوپان فقیری تصمیم می‌گیرد که به دنبال تحقیق رویایی که دوبار در خواب دیده بود، برود. کولی، ملک صدق، کیمیاگر و فاطمه، راهنمای او به سوی گنج هستند. وی با فروختن تمامی میش‌هایش به مصر سفر می‌کند. مرد جوان تمام اموالش را از دست می‌دهد و مجبور می‌شود که کار کند. ولی با پشت سر گذاشتن بیابانی پر خطر، سرانجام در کنار اهرام مصر در می‌یابد که گنج دقیقاً در کلیسای مخروبه‌ای بوده که او برای بار دوم رویایش را می‌بیند. چوپان باز می‌گردد و صندوقی پر از سکه‌های قدیمی اسپانیا و... را از دل خاک بیرون می‌آورد.

ب. خلاصه داستان مثنوی^۴: در بغداد، میراث داری همه مال و عقارش را از دست می‌دهد و تنگدست می‌شود. شبی به درگاه خداوند به گریه پرداخت و چون خوابید، در خواب هاتفی را دید که می‌گوید: غنای تو در مصر است، در آنجا گنجی خواهی یافت. مرد به مصر سفر می‌کند، ولی در آنجا خرج سفرش تمام می‌شود و تصمیم می‌گیرد که شب‌هنگام گدایی کند. عسس، مرد را به عنوان دزد دستگیر می‌کند و با مشت و چوب او را می‌زند. وی از عسس مهلت می‌خواهد تا حکایتش را بازگو کند. عسس نیز مهلت می‌دهد. مرد بغدادی خوابش را برای وی تعریف می‌کند و عسس مرد را خوش خیال و کم عقل می‌خواند و می‌گوید که او نیز بارها خواب گنجی را در بغداد دیده است و مشخصات دقیق مکان و نام همان مرد را نیز ذکر می‌کند. مرد متوجه می‌شود که گنج در خانه خودش بوده است، باز می‌گردد و گنج را می‌یابد.

ج. حکایت عجایب‌نامه^۵: «گویند مردی را زنی درویش بود که خانه‌ای داشت، نام او زهمین. به خواب دید که گنجی یابد به دمشق. این مرد اعتماد نکرد تا چند بار به خواب دید. به حکم آن که درویش بود، به دمشق آمد و در میان شهر می‌گردید، درمانده. مردی گفت: از کجایی؟

همان طور که ارتباطات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، انسانها را به یکدیگر پیوند می‌دهد، داد و ستدهای فرهنگی و ادبی نیز همیشه در بین قوم‌ها و ملیت‌های مختلف وجود داشته است. هر چه تمدن‌ها قدیمی‌تر و اصیل‌تر باشند، از قدرت تأثیرگذاری بیشتری برخوردار می‌شوند، در نتیجه می‌توانند حوزه وسیع‌تری را تحت نفوذ اندیشه‌های خود قرار دهند. ایران، هند، چین، یونان و مصر، امپراتوریهای عظیمی بودند که تاریخ کهن آنها امکان پیدایش اسطوره، افسانه و انواع ادبی دیگر را فراهم آورد. این تمدن‌ها و سرزمینهای همسایه‌شان هر از گاهی که با جنگ و صلح و تجارت و جهانگردی و... به هم مربوط می‌شوند، بستر مناسبی را جهت تبادلات فکری به وجود می‌آورند. از نمونه‌های این نوع ارتباط می‌توان به جنگ یونان و روم، روم و ایران، راه ابریشم که فرصتی برای اتصال غرب به شرق بود و... اشاره کرد. این امر به تأثیر گذاری ادب نیرومندتر و بالنده‌تر می‌انجامد و میراث فکری - ادبی قوم تأثیرپذیر را غنا می‌بخشد. چنین جریانی که در روزگاران پیش‌تر، حرکت کندی داشت، در دنیای ما به برکت توسعه ارتباطات، قافله ادبیات جهانی را در بر می‌گیرد و در تکاپویی دائمی سیر می‌کند، به طوری که گاه در تو در توی نسخه‌های قدیمی کتابها و یا حتی روایت‌های شفاهی‌یی که پیران قومی در سینه دارند، با حکایت‌هایی برخورد می‌کنیم که در نتیجه همان تبادلات فرهنگی به ادبیات سایر ملل نقب می‌زنند و پس از چندی ما را در برابر چند حکایت مشابه غافلگیر می‌کنند.

اندیشه این وام‌گیری از طرح اصلی روایتها و پردازش آن به نحوی سازگار با فضای ادبی اثر، نکته‌ای است که برآینم تا در این مقال بدان بپردازیم.

○

ریشه‌یابی منظومه فکری نویسندگان در آثارشان، کار ساده‌ای نیست؛ این امر، مستلزم آشنایی با ابعاد شخصیتی و زندگی‌نامه‌ای فرد و مسایل سیاسی، اجتماعی، روان‌کاوی، ادبیات تطبیقی و... است، اما آموزه‌ای که ما در این بررسی در پی آن هستیم، تطبیق طرح^۱ ساختاری^۲ چهار

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی موضوع به گونه‌ای به بوطیقای نقد نو در ادبیات معاصر هم مربوط می‌شود و برای تحلیل آن از روایت‌شناسی ساختاری structural NarratoLogg استفاده کرده‌ایم؛ بررسی ساختاری‌یی که عناصر اصلی متن را از بین بسیاری عناصر دیگر مشخص می‌کند. بر همین اساس، جدول تحلیل کنش‌های ساختاری زیر فراهم آمده است. همان‌طور که از اصل روایت‌ها نیز بر می‌آید، این چهار حکایت از

۱. قهرمان تهی دست است.	تعادل اولیه
۲. قهرمان یافتن گنجی را در خواب می‌بیند.	
۳. قهرمان به سفر می‌رود.	
۴. قهرمان گرفتار می‌شود.	بهرم خوردن تعادل
۵. ضد قهرمان / یاری‌گر نا آگاهانه قهرمان را یاری می‌کند.	
۶. قهرمان باز می‌گردد.	تعادل مجدد
۷. قهرمان موفق می‌شود.	

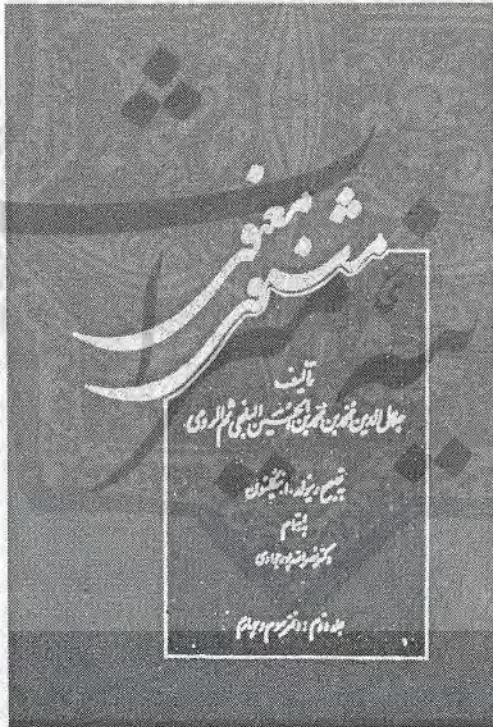
طرح ساختاری واحدی تبعیت می‌کنند.^۷ با این بررسی، اشتراک ساختی حکایت‌ها مشخص می‌شود، ولی برآیند مطالعه‌ی تطبیقی این روایت‌ها یافتن پاسخی برای این پرسش است که با توجه به تقدم زمانی هزار و یک شب و عجایب‌نامه کدام یک مأخذ مولانا و کوئیلو بوده است؟ فروزانفر در مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی با ذکر حکایت عجایب‌نامه این کتاب را به عنوان منبع مولانا ذکر می‌کند، لیکن به چند دلیل می‌توان به این نکته رسید که هزار و یک شب منبع دقیق‌تری برای حکایت مولانا و نیز به تبع آن سرچشمه‌ی اصلی‌یی برای کوئیلو بوده است، نخست این که هزار و یک شب با وجود این که در زمان‌های مختلف تألیف گردیده است، به طور قطع و یقین پیش از نیمه قرن دهم میلادی در میان مسلمانان شناخته شده بوده است. دیگر این که عجایب‌نامه که تألیف محمد بن محمود همدانی است، در قرن ۶ هجری تدوین یافته است، پس هزار و یک شب بر این اثر، تقدم زمانی دارد. هم‌چنین، مقایسه ساختاری معنایی که بین حکایت‌ها برقرار می‌کنیم، ما را به این مطلب راهنمایی می‌کند.

هزار و یک شب

وضیعت آغازین: مردی بغدادی پس از از دست دادن اموالش، به

گفت از ری. گفت: به چه کار آمده‌ای؟ گفت: از حماقت و ادبار به خواب دیدم به دمشق گنجی یابم. این مرد بخندید و گفت: چندین سال است که من به خواب می‌بینم که در ری خانه‌ای است که آن را زهمن خوانند و در آن خانه گنجی است، بر خواب اعتماد نکردم. تو مردی سلیم دلی. رازی چون این بشنید، بازگردید و به خانه خود درآمد و زمین را می‌کند تا هاونی بیافتد، زرین و سی‌منی و از آن توانگر شد».

د. حکایت هزارو یک شب^۸: «در بغداد، مردی خداوند نعمت بود و مالی بسیار داشت. از حوادث روزگار او را مال تلف شد و حال دگرگون گشت و روزی خود را به مشقت تحصیل می‌کرد. شبی از شبها با حزن و اندوه بخت. در خواب دید که گوینده‌ای با او همی گوید که تو را روزی در مصر است، به سوی مصر سفر کن. آن مرد ناگزیر به سوی مصر سفر کرد. وقتی به مصر درآمد، هنگام شام بود، در مسجدی بخت و در همسایگی مسجد، خانه مرد متمولی بود. جماعتی از دزدان به مسجد درآمدند و از دیوار مسجد به آن خانه رفتند. اهل آن خانه از آمدن دزدان بیدار شدند و ناله و فریاد برآوردند و استغاثه کردند. شحنه با تابعان خود به استغاثه ایشان بیامد. دزدان بگریختند و شحنه به مسجد درآمده، مرد



بغدادی را در آنجا یافت. او را بگرفت و با تازیانه‌اش چندان بزد که به هلاک نزدیک شد. پس از آن به زندانش بفرستاد و سه روز مرد بغدادی به زندان اندر بود. آنگاه شحنه او را حاضر آورد و به او گفت: از بغداد سبب آمدن تو به سوی مصر چه بود؟ گفت: من در خواب دیدم، گوینده‌ای به من گفت که تو را روزی در مصر است، به سوی مصر برو. چون بدینجا آمدم تازیانه از تو بخوردم، دانستم که روزی من چه بوده است. شحنه از سخن او بخندید و به او گفت: ای کم خرد! من سه بار در خواب دیده‌ام که گوینده‌ای به من گفته است که در بغداد در فلان مکان به فلان محله، خانه‌ای هست و در آن خانه حوضی است و در زیر آن حوض مالی است فراوان، تو بدان‌جا رفته، آن مال

بیرون آور، من این خواب را باور نکرده و سخن گوینده را نپذیرفتم و تو از کم خردی به سبب خوابی که اضغاث و احلام است، از شهری به شهری سفر کرده‌ای. پس از آن شحنه درمی چند به آن مرد بغدادی بداد، گفت: این درمها توشه راه خود گیر و به شهر خود باز گرد. آن مرد درمها گرفته، به بغداد باز گشت و بدان نشان خانه که شحنه صفت کرده بود، خانه همان مرد بوده است، چون به خانه رسید، حوض را بکند و مال را پدر آورد».

- مشقت روزگار می گذراند.
۱. مرد یک بار در خواب می بیند که گوینده‌ای به او می گوید: به مصر سفر کن که روزی تو در مصر است.
 ۲. مرد بغدادی (عرب) است.
 ۳. خوابیدن مرد در مسجد راهی برای رسیدن به گنج می شود.
 ۴. شحنة، مرد را چندان می زند که به هلاک نزدیک می شود.
 ۵. شحنة سبب آمدن مرد را به مصر می پرسد.
 ۶. مرد می گوید: به خاطر خوابش آمده است.
 ۷. شحنة می گوید که سه بار چنین خوابی را دیده است و نشانی دقیق محل گنج را ذکر می کند.
 ۸. مرد به بغداد برمی گردد و در حوض خانه‌ی خود گنج را می یابد.

مثنوی

۱. شهرهای معرفی شده، بغداد و مصر است.
 ۲. مرد، صاحب نعمت و میراث است و با از دست دادن اموالش فقیر می شود.
 ۳. قهرمان گرفتار بلا و مصیبتی می شود و تا حدودی نزدیک شدن به مرگ وجود دارد و گنج با رنج همراه است.
 ۴. صحبت از هیچ نام خاصی نیست.
 ۵. سخن از زن به میان نمی آید.
 ۶. نوع گنج مشخص نشده است.
- و اما قضاوت در باب شباهت داستان مثنوی به عجایب‌نامه و هزار و یک شب را به خوانندگان واگذار می کنیم.

پی نوشتها

۱. ارسطو در بخش ششم «بوطیقا» طرح plot را ترتیب حوادث تعریف می کند. یک طرح از داستانی که مبنای آن را تشکیل می دهد، به روشنی متمایز می گردد. طرح، حالت هنری حوادثی است که یک داستان را پدید می آورد. (راهنمای نظریه ادبی معاصر، رمان سلدن، ترجمه‌ی عباس مخبر، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۲).
 ۲. پرداختن به ساختار یعنی ساختار گرای، گرایشی از نقد ادبی است که به بررسی روابط متقابل میان اجزای سازای یک شیء یا اثر می پردازد. (ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ولادیمیر پراب، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۸)
 ۳. کیمیاگر، پائولو کوئیلو، ترجمه دل آرا قهرمان، انتشارات فرزانه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴.
 ۴. مثنوی معنوی، مولانا جلال‌الدین بلخی، انتشارات مشعل، اصفهان، ۱۳۴۸
 ۵. مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی، بدیع‌الزمان فروزان‌فر، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۴۸
 ۶. هزار و یک شب، (مترجم) عبداللطیف طسوجی تبریزی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۳۷
 ۷. برای اطلاع بیشتر به منابع زیر رجوع کنید:
- بررسی ساختاری روایت در حکایت‌های جامع هزار و یک شب، محبوبه خراسانی، رساله‌ی کارشناسی ارشد ادبیات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰
 - دستور زبان داستان، احمد اخوت، انتشارات فردا، اصفهان، ۱۳۷۱
 - درآمدی بر ساختار گرای، رابرت اسکولز، ترجمه‌ی فرزانه طاهری، نشر آگاه، تهران، ۱۳۸۰

مثنوی

- وضعیت آغازین: مردی بغدادی اموالش را از دست می دهد و تنگ‌دست می شود.
۱. مرد در خواب می بیند که هائقی به او می گوید: به مصر سفر کن که غنای تو در مصر است.
 ۲. مرد بغدادی (عرب) است.
 ۳. خوابیدن مرد در مسجد، راهی برای رسیدن به گنج می شود.
 ۴. عسس، مرد را با مشت و چوب می زند.
 ۵. مرد خود از عسس برای بیان حکایتش مهلت می خواهد.
 ۶. مرد می گوید: به خاطر خوابش آمده است.
 ۷. عسس می گوید که بارها چنین خوابی را دیده است و نشانی دقیق محل گنج را ذکر می کند.
 ۸. مرد به بغداد برمی گردد و در خانه خود گنج را می یابد.

کیمیاگر

- وضعیت آغازین: چوپان اسپانیولی خانواده فقیری داشت.
۱. کودکی دوبار در خواب، مرد جوان را به اهرام مصر می برد و می گوید: اگر این جا بیایی، گنج می یابی.
 ۲. مرد جوان، عربی را می آموزد و سخن می گوید.
 ۳. مرد جوان در کلیسا خوابش را دوباره می بیند.
 ۴. مهاجمان، مرد جوان را تا سرحد مرگ کتک می زنند.
 ۵. یکی از مهاجمان می پرسد: این جا چه می کنی؟
 ۶. مرد می گوید: دوبار در خواب دیده که گنجی این جا است.
 ۷. رئیس مهاجمان می گوید که دوبار چنین خوابی را دیده است و نشانی دقیق محل گنج را ذکر می کند.
 ۸. مرد جوان به کلیسای ویرانی که محل خواب خود و گوسفندان او بود، برمی گردد و گنج را در صندوق خانه آن می یابد.
- حال که شباهت بین این سه حکایت را که باز نمایانندیم، به موارد اختلاف دو روایت عجایب‌نامه و مثنوی می پردازیم.

عجایب‌نامه

۱. شهرهای معرفی شده، ری و دمشق است.